

دوست پسر همگوشی تلفن همراهم را برای جبران خسارت از من گرفت

سرگرد سمانه مهریانی

معاون اجتماعی
پلیس آگاهی پایتخت



زن جوان فرم‌های مربوط به تحویل دختر نوجوانش را امضا کرد و قصد خروج از اداره چهارم پلیس آگاهی را داشت که از او دعوت کردم در صورت تمایل در مورد موضوع پرونده‌اش با من گفت و گو کند. زن پذیرفت و گفت: یک هفته پیش دخترم به بهانه این که قصد دارد به منزل دوستش برود و چند روزی را پیش هم باشند از خانه خارج شد. خیلی اتفاقی متوجه شدم که مرا فریب داده است. سریعاً به پلیس آگاهی مراجعه کرده و فقدانش را اعلام کردم. همکاران‌تان بعد از بررسی و دنبال کردن سرنخ‌ها متوجه شدند دخترم به همراه دوستش و دو پسر ۱۹ و ۲۰ ساله راهی شمال شدند. آنجا ویلا می‌گیرند و بعد هم بساط مشروب‌خوری راه می‌اندازند. فکرش را بکنید دختر ۱۳ ساله من همه این کارها را انجام داده و هنوز هم باورم نمی‌شود.

ظاهراً دخترم بعد از مصرف مشروب کنترلش را از دست می‌دهد و شیشه‌های استخر ویلا را می‌شکند. مالک استخر از راه می‌رسد و بعد از گرفتن دو میلیون خسارت، آنها را از ویلا بیرون می‌اندازد و بعد هم با پیگیری‌های همکاران‌تان آنها به تهران بازگردانده می‌شوند. الان هم که از او می‌پرسم تلفن همراهت کجاست، می‌گوید دوست پسرش گوشی را به جای خسارتی که به مالک ویلا داده از او گرفته است. خانم من هر چه فکر می‌کنم متوجه نمی‌شوم یک نوجوان ۱۳ ساله این همه جسارت و بی‌پروایی را از کجا آورده است. دور از چشم خانواده، با دو پسر غریبه راهی سفر بشوی، پای بساط‌شان بنشینی و یک لحظه فکر نکنی اگر الان بلایی سر من بیاورند، اگر مرا به قتل برسانند، چه کسی به من کمک می‌کند و چه کسی از سرنوشت من باخبر می‌شود.

نظریه کارشناس

دوران بلوغ و نوجوانی یکی از حساس‌ترین مراحل رشد فرزند شماست. در این دوران نوجوان به شدت تحت تأثیر گروه همسالان است و به دلیل خامی و بی‌تجربگی و از طرفی بیدار شدن احساسات و گرایش‌ها نسبت به جنس مخالف برای دریافت تایید دیگران به‌ویژه جنس مخالف دست به هر کاری بدون تفکر در مورد عواقبش می‌زند. این وظیفه ماست تا با ورود فرزندمان به این مرحله، آموزش‌های لازم را به او داده و با مطالعه، دانش خود را نیز در مورد نحوه برخورد صحیح با فرزند در دوران بلوغ و نوجوانی افزایش دهیم.



گفت و گو با قاتل لیانا کوچولو

برای انتقام دختر ۷ ساله را کشتم!

۱. بچه التماس نکرد؟

بچه هیچ حرفی نمی‌زد. ساکت بود.

۲. خودت نوه همسن و سال مقتول داری؟

بله. یک نوه شش ساله دارم.

۳. یک لحظه فکر نکردی کسی چنین بلایی را سر نوه خودت بیاورد؟

عذابی که من در زندگی کشیدم برای کسی قابل باور نیست. سه ماه تمام در خیابان و پارک خوابیدم. در گرمای تابستان کنار خیابان و پارک بودم و حتی چندبار پلیس مرا دستگیر کرد. چندبار تست اعتیاد دادم تا مشخص شد کارتن خواب یا معتاد نیستم و رهایم کنند.

۴. چرا خیابان خواب بودی؟

به خاطر اختلافاتی که با همسر داشتم.

۵. چرا لیانا را کشتی؟

به خاطر دخالت‌های مادرش در زندگی‌ام اما مقصر اصلی همسر خودم بود و چشمانش فقط به دهان خواهرانش بود که چه می‌گویند تا او انجام دهد.

۶. خب چرا همسرت را با این اختلافات طلاق ندادی؟

نمی‌خواستم طلاقش بدهم. بچه‌هایم بزرگ بودند و اگر جدا می‌شدیم، آنها معتاد می‌شدند.

۷. اگر کسی این بلا را سر فرزند خودت بیاورد، واکنشت چیست؟

فقط طی کردن مراحل قانونی و انجام آنچه قانون تعیین می‌کند.

۸. قصاص می‌کردی؟

خب. جنون آنی و فشار اطرافیان باعث می‌شود فرد دست به این‌گونه قتل‌ها بزند.

۹. خودت را با این حرف‌ها توجیه می‌کنی؟

خب. واقعا تحت فشار بودم. فرزندان و اقوام را واسطه کردم.

۱۰. چه زمانی نقشه قتل را کشیدی؟

از چهار ماه قبل به فکر انتقام افتادم و سعی کردم از خواهرزهم انتقام بگیرم. در این مدت منتظر بودم لیانا را در جایی خلوت گیر بیاورم و نقشه‌ام را عملی کنم.

۱۱. می‌دانی چه مجازاتی در انتظارت است؟

قصاص.

وحید اخباری
گروه تپش

دختر هفت ساله (لیانا) هنگام بازی مقابل خانه مادر بزرگش در محله شهر کرج مفقود شد و کل شهر برای یافتن او بسیج شدند و شروع به جست‌وجو کردند اما هیچ ردی از او به‌دست نیامد. پلیس وارد ماجرا شد و خیلی زود فهمید لیانا از سوی شوهرخاله میانسالش ربوده و به قتل رسیده؛ قاتلی که در تحقیقات به جزییات قتل اعتراف و صحنه جنایت را بازسازی کرد. در ادامه، گفت و گو با قاتل خونسرد را می‌خوانید.

۱. سابقه داری؟

خب. هیچ سابقه کیفری ندارم. البته راننده بودم و یک بار تصادف کردم و دو مسافر فوت شدند که عمدی نبود.

۲. به چه اتهامی دستگیر شدی؟

قتل دختر باجناقلم. با مادرش مشکل داشتم و تصمیم گرفتم برای انتقام، فرزندشان لیانا را از بین ببرم.

۳. چگونه او را کشتی؟

به بهانه خرید خوراکی، او را از مقابل خانه مادر بزرگش سوار کردم و با خودم بردم. به یک جای خلوت که رسیدیم با چاقو چند ضربه به او زدم.

۴. چند ضربه زدی؟

فکر کنم سه ضربه زدم.

۵. خفه‌اش هم کردی؟

خب. فقط چاقو زدم.

۶. چاقو رو از قبل آماده کرده بودی؟

داخل ماشین داشتم. اسنپ کار می‌کردم و برای این‌که شب‌ها امنیتم تأمین باشد و از من دزدی نشود، چاقو داشتم.

۷. بعد از کشتنش چه کردی؟

جسد را به کانال آبی در همان حوالی بردم و یک سنگ رویش گذاشتم تا آب آن را نبرد و بعد پلیس بتواند جنازه را پیدا کند.

۸. پلیس چطور می‌توانست جسد زیر آب را پیدا کند؟ خب اگر قصد

داشتی زود پیدا شود آن را کنار کانال رها می‌کردی!

گفتم اگر جسد را کنار کانال بگذارم شاید حیوانات وحشی به آن حمله کنند.